



# سفرنامه جکسن

## و گذری بر زندگی نامه و پژوهش‌های مؤلف آن

○ مجید حاجی تبار

سفرنامه جکسن<sup>۱</sup> از جمله آثار پژوهشی و تحقیقی در مناطق تاریخی و باستانی ایران است که در اوایل قرن بیستم به رشته تحریر درآمده است.

از قرن پانزدهم میلادی به بعد، ایران توجه سیاحان و جهانگردان غربی را به خود جلب کرد و آنان در سفرنامه‌های خود، ایران را کشوری با پیشینه فرهنگی و تمدنی کهن وصف می‌نمودند. تخت‌جمشید، که مکانی متروک و ویرانه‌ای پر رمز و راز به نظر می‌آمد، بیش از هر جای دیگری توجه سیاحان اروپایی را به خود جلب نمود. جوزفا بارباروی (Josephat Barbaro) ایتالیایی، سفیر حکومت به دربار اوزن حسن آق‌قویونلو، یکی از اولین کسانی بود که به سال ۸۷۷ ه. ق / ۱۴۷۴ م به تخت‌جمشید سفر کرد و آن را چهل منار نامید.<sup>۲</sup>

پیترو دل‌اواله (Pietero dellavalle) در سال ۱۰۳۲ ه. ق / ۱۶۲۲ م از کتیبه‌های خط میخی تخت‌جمشید نسخه‌برداری کرد و برای مطالعه به اروپا برد.<sup>۳</sup>

انگلبرت کمپفر (Engelbert Kamper)، پزشک و جهانگرد آلمانی، نخستین کسی بود که در سال ۱۰۹۵ ه. ق / ۱۶۸۵ م با دیدن کتیبه‌های تخت‌جمشید آنها را به میخ تشبیه کرد و عنوان خط میخی (Cuneiform) را به آنها اطلاق کرد.<sup>۴</sup>

در اوایل قرن هجدهم میلادی کرنلیس دو بروئین (Cornellis de Bruin) با صرف سه ماه وقت خود در تخت‌جمشید، اولین نقاشی‌های دقیق از ابنیه و کتیبه‌های تخت‌جمشید را ارائه داد.

از قرن نوزدهم میلادی، خط پارسی باستان توجه متخصصان خطوط کهن را جلب کرد. محقق گمنام بنام جورج فریدریش گروتفند (George fridrich Grotefend)

موفق به کشف رمز خط میخی پارسی باستان شد. کمی پس از این کشف، یک افسر انگلیسی به نام هنری راولینسن (Henry Rawlinson) که برای انتظام قوای نظامی ایران چند سالی در استخدام حکومت قاجار بود، از کتیبه‌های گنج‌نامه همدان و بیستون کرمانشاه نسخه‌برداری نمود و به مطالعه آن پرداخت. حاصل این تلاش و تحقیق، رمزگشایی خط میخی با عنوان پارسی باستان شد که در سال ۱۸۴۶ م به صورت مقاله در نشریه انجمن سلطنتی آسیایی لندن چاپ شد. کشف خط میخی ایران باستان باعث رمزگشایی خطوط میخی دیگر چون بابلی - عیلامی - آشوری شده است.<sup>۵</sup>

نخستین کاوش علمی باستان‌شناسی در ایران در سال ۱۸۴۹ توسط کنت لوفتوس (Kont Loftus) در تپه‌های باستانی شوش انجام گرفت و تا ۱۸۵۲ طول کشید. بعد از این حفاری توجه فرانسویان به ویرانه‌های شوش جلب شد و دولت فرانسه در سال ۱۸۸۳ م یک مهندس معمار بنام مارسل دیولافوا (Marcel Dieulafoy) را جهت فراهم کردن مقدمات مطالعات باستان‌شناسی به ایران فرستاد. وی به همراه همسر خود و دو دستیار به کاوش در شوش پرداختند. در سال ۱۳۱۵ ه. ق / ۱۸۹۷ م ژاک دمگان (Jack de Morgan) مهندس معدن و زمین‌شناس فرانسوی جهت ادامه حفاری به ایران آمد و تا سال ۱۳۲۹ ه. ق / ۱۹۱۱ م سرپرستی هیأت حفاری ایران را عهده‌دار بودند.<sup>۶</sup>

کوتاه سخن اینکه از سال ۱۳۱۸ ه. ق / ۱۹۰۰ م که مطالعات در مناطق باستانی از انحصار دولت فرانسه به در آمده بود، هیأت‌های مختلف تحقیقی و مطالعاتی به ایران آمدند و حفاری‌ها و بررسی‌هایی در مناطق مختلف ایران انجام دادند که گزارش بیشتر آنها در دست است. نتیجه این مطالعات و تحقیقات، بسیاری از زوایای تاریک و مبهم تاریخ

### سفرنامه جکسن

ژان جکسن - ۱۸۴۲

### تألیف: ابراهیم و ویلیامز جکسن

ترجمه: منوچهر امیری - ۱۳۵۲



○ سفرنامه جکسن، ایران در

گذشته و حال

○ تألیف: ابراهیم و ویلیامز جکسن

○ ترجمه: منوچهر امیری -

فریدون بدره‌ای

○ ناشر: خوارزمی، تهران، ۱۳۵۲

ایران باستان را روشن ساخته است هرچند این هنوز به معنای واقعی، ابتدای راه است چرا که تاریخ ایران هنوز در زیر خاک مدفون است و به هزاران پژوهشگر فعال و دلسوز نیاز دارد که این تاریخ کهن را از زیر خاک درآورده و مورد تحلیل و بررسی و مطالعه قرار دهند.

ابراهیم ولنتاین ویلیامز جکسن (Abraham Valentine Williams Jackson) از محققان نامدار آمریکا در رشته زبان و ادبیات و دین و آیین در ایران باستان به شمار می‌رود. وی در سال ۱۸۶۲ میلادی در یکی از خانواده‌های قدیمی نیویورک به دنیا آمد. گواهینامه دبیرستان را در سال ۱۸۸۳ م اخذ نمود و از دانشگاه کلمبیا به عنوان دانشجوی ممتاز در رشته ادبیات یونان و روم قدیم درجه لیسانس گرفت. در آخرین سال دوره لیسانس به آموختن زبان سانسکریت پرداخت و استاد او در این رشته پری (Perry) بود که جکسن درباره‌اش می‌نویسد «وجودم را لبریز از شوق تحصیل در رشته زبان و ادبیات هند باستان کرد». پس از دوره لیسانس، در رشته زبان‌شناسی به تحصیل خود در دانشگاه کلمبیا ادامه داد و به مطالعه زبان اوستایی پرداخت. وی در سال ۱۸۸۹ م از دانشگاه کلمبیا موفق به دریافت درجه دکترا شد. و در همان سال برای تکمیل مطالعات هند و ایرانی خود به آلمان رفت. و در آنجا نزد کارل کلدنر (Carl Goldner) به تحصیل زبان اوستایی و نزد ریشارد پیشل (Richard Pischel) به مطالعه سانسکریت پرداخت. جکسن در سال ۱۸۸۹ به آمریکا بازگشت و در دانشگاه کلمبیا به تدریس زبان ادبیات انگلیسی پرداخت. پس از تأسیس کرسی زبان‌های هند و ایرانی در سال ۱۸۹۵ ضمن تدریس، به تحقیقات و مطالعات در این زمینه پرداخت و تا آن هنگام مقاله‌هایی درباره زبان‌های ایرانی خاصه زبان اوستایی منتشر کرد که از آن جمله‌اند: «یکی از سرودهای زردشت» (AHYMn of Zoroaster, Stuttgart, ۱۸۸۸)؛ «الفبای اوستایی» (the Avestan Alphabet Stuttgart ۱۸۹۰)؛ و «دستور زبان اوستایی و مقایسه آن با سانسکریت» (An Avasta Grammer in comparison with sanskrit stuttgart ۱۸۹۲)

آنچه بیشتر ذوق و علاقه‌اش را برمی‌انگیخت تحقیق درباره زردشت بود. در سال ۱۸۸۹ کتاب عظیم زردشت پیامبر ایران باستان: (Zoraster the prophet of Acent Iran) را به چاپ رساند و این همان کتابی است که وی را به شهرت جهانی رساند و به عنوان یکی از شاهکارهای تحقیقی و پژوهشی باقی ماند.

جکسن برای نخستین بار در سال ۱۹۰۳ م به ایران مسافرت نمود و در این سفر از کوه بیستون بالا رفت و سنگ‌نبشته داریوش را از نزدیک مورد مطالعه قرار داد. حاصل این سفر کتاب سفرنامه جکسن است که در سال ۱۹۰۶ میلادی منتشر شد. وی دوباره در سال‌های ۱۹۰۷ و سپس ۱۹۱۰ م به این نواحی مسافرت کرد و در بازگشت به آمریکا کتاب از قسطنطنیه تا زادگاه عمرخیم را نوشت. این کتاب نشان می‌دهد که علاقه جکسن منحصر به تحقیق در زبان‌های اوستایی ایران نبوده و او به شعر و شاعران فارسی‌گوی نیز سخت دل بسته بود به گونه‌ای که دیوان

شاعران ایرانی، کتاب‌های بالینی او بوده که هر شب پیش از خوابیدن، می‌خوانده است.

جکسن بر آن بوده تا یک دوره کتاب درباره شعر فارسی تألیف نماید اما تنها موفق به تکمیل یک جلد با عنوان قدیمترین اشعار فارسی از آغاز تا دوران فردوسی گردید. وی در کتب و مقالات خود، همه جا از اشعار فارسی استفاده می‌نمود که نشان از ذوق و علاقه وافر او به ادبیات فارسی و آگاهی وی از آن دارد.

جکسن بعدها به تحقیق درباره دین مانئی پرداخت و در سال ۱۹۲۳ م کتاب آیین مانوی (Studies on manichiasm) را منتشر کرد و سپس چندین مقاله در این ارتباط انتشار داد و در همان سال مهمترین تألیف جکسن در این زمینه با عنوان تحقیقی درباره دین مانئی با توجه به اوراق تورفان منتشر شد. این تحقیقات اگرچه گاه از حیطة ایران‌شناسی دور می‌گردد و به لحاظ محتوا نیز خالی از نقص نمی‌باشد، ولی چنان ارزنده است که ستایش و حق‌شناسی محققان در دین مانئی را برانگیخته است.

وی علاوه بر مطالعه و تحقیق درباره ایران، به هند نیز مسافرت کرد و در ارتباط با زبان سانسکریت تحقیقات قابل توجهی ارائه داد. کتاب تاریخ هند در نه جلد (لندن ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷) نتیجه این پژوهش‌ها است.

جکسن چندین بار دیگر به هند و ایران مسافرت کرد و برای شرکت در کنگره‌های بین‌المللی شرق‌شناسان بارها به اروپا سفر کرد. وی در تابستان ۱۹۳۱ میلاد به بیماری سختی شد و از فعالیت خود به ناچار کاست و در ۱۹۳۵ نیز از دانشگاه کلمبیا بازنشسته شده ولی همچنان به تحقیق ادامه داد و قصد نگارش کتابی درباره دین مانئی را داشت که عمرش وفا نکرد و در سال ۱۹۳۷ میلادی درگذشت.

وی از افتخارات علمی فراوانی برخوردار است: در کشور خود عضو انجمن فلسفه آمریکا و چندین انجمن علمی دیگر بود، در اروپا نیز عضویت چندین انجمن مهم علمی را دارا بود، از دولت ایران نیز نشان شیر و خورشید دریافت نموده بود و از دارالفنون که درواقع سلف دانشگاه تهران بود، درجه علمی افتخاری کسب نمود.

ترجمه سفرنامه جکسن از طرف مؤسسه انتشارات فرزانگین به آقای دکتر منوچهر امیری واگذار شد و ایشان تا فصل دوازدهم کتاب را ترجمه کردند ولی متأسفانه نتوانستند کار را به پایان برسانند و به همین جهت آقای دکتر فریبون بدرهای دنباله کتاب را ترجمه نمودند و در سال ۱۳۵۲ ه. ش در تهران توسط انتشارات خوارزمی به چاپ رسید. عنوان اصلی کتاب "Persia, Past and Present" ایران در گذشته و حال است و برای آنکه با کتابی به زبان فارسی به همین نام اشتباه نشود نام ترجمه فارسی آن از طرف انتشارات خوارزمی سفرنامه جکسن برگزیده شد. این کتاب به اظهار خود مؤلف در عرض سه سال گردآوری و تدوین شد و عنوان سفرنامه و تحقیق بر آن گذاشته است. درواقع می‌توان این عنوان مؤلف را با عبارت: «سفری که به انگیزه و هدف خاص تحقیق و پژوهش در آثار و بناهای تاریخی و باستانی انجام گرفته» تفسیر و تعبیر نمود.

سفرنامه جکسن از ۲۸ فصل و یا بخش تشکیل شده

است بخش اول، عنوان «در راه سرزمین شیر و خورشید» و آخرین بخش نیز «از راه مازندران به دریای خزر» نام دارد که حکایت چگونگی ورود به خاک ایران از راه مسکو و سپس خروج از ایران پس از مدتی تحقیق و تفحص در آثار باستانی و تاریخی و مطالعه سنن و فرهنگ مردم ایران است.

جکسن اظهار می‌دارد «در آغاز، این وسوسه در من پدید آمده بود که بعضی فصل‌ها، همچون فصول مربوط به تخت سلیمان و کنگاور و ری و پاره‌ای از بخش مخصوص به سنگ‌نبشته‌های پارسی باستان را مشخص و ممتاز گردانم و به خواننده هشدار دهم که، این فصل به دانش‌پژوهان اختصاص دارد» و در آغاز دیگر فصول مانند فصل‌های مربوط به شهرهای گوناگون که تحت عنوان «با کاروان و دسته سواران» و... آورده‌ام بنویسم که این فصل برای عموم خوانندگان است.<sup>۱</sup> البته متذکر می‌شود که از این کار منصرف شده و دلیل آنرا چنین می‌نویسد که هر خواننده‌ای مطالب مورد نظر خود را پیدا می‌کند و از آن حظ و بهره کامل می‌برد. بنابراین این تذکر بی‌فایده و عبث می‌باشد.

در این اثر پاره‌ای از نکات مبهم و مهم تاریخی، به زبانی شیوا و در عین حال ساده و روشن بیان شده است و اگر کسی در حال تحقیق درباره آیین مزدیسنا باشد نکاتی در این تألیف خواهد یافت که به کار وی می‌آید، خاصه مکان‌ها و آثار و آیینیه تاریخی و باستانی که از میان رفته‌اند را می‌توان مطابق شرح کتاب مورد مطالعه قرار داد.

مسافرت‌های جکسن با قطار، از مسکو شروع می‌شود. وی اطلاعاتی در مورد مکان‌هایی که از مسکو تا ایالت گرجستان روسیه می‌بیند ارائه می‌دهد. در طول مسیر به آثاری که تداوی گر تاریخ گذشته هستند توجه می‌کند و در این کار چنان تبحر و استادی از خود به خرج می‌دهد که خواننده شیفته بیان او می‌گردد. مثلاً چهره‌های مردمی را که می‌بیند با اقوام تاریخی سکایی مقایسه می‌نماید و در هنگام توصیف شهر تفلیس، دانستنی‌های تاریخی درباره آن ارائه می‌دهد. مثلاً در قسمتی از توصیف این شهر می‌نویسد: «می‌گویند که شهرت اصلی این شهر مدیون امپراطوری گرجی آن موسوم به **واختانگ گورگسلان** است که در قرن پنجم میلادی می‌زیست و به این شهر که آبهای گرم گوگردی دارد دل بسته بود».

وی در شهر تفلیس از موزه این شهر بازدید می‌نماید که شرح کامل و جامع آن‌را در کتاب خود می‌آورد و مطالعه این قسمت آشنایی تقریباً کاملی با موزه به خواننده می‌دهد. موزه‌ای حدود یک قرن پیش در آن شهر یعنی تفلیس دایر و فعال بوده است. وی از دو نوع جانور که در این موزه به نمایش درآمده بود یاد می‌کند و می‌نویسد «از این دو جانور یکی نوع ممتازی از سگ‌ماهی بود که در اصطلاح علمی معروفست به **Accipen ser huso** و آن ماهی‌ای است به طول پانزده فوت (۴/۵۷ متر) یا بیشتر، و به عقیده من همان است که در اوستا به نام کره‌میسه (**Kara Masya**) یا ماهی کر (**Kar**) مذکور است. جانور یا جانوران دیگر عبارت بودند از دسته‌ای از گرازهای وحشی که پوستگری چیره‌دست، پوست آنها راکنده و به طرز دلپسند آمادۀ نمایش کرده بود؛ این جانور، درنده‌خوبی و جنگجویی «ورازه

**Varaza** (گرازها) بی‌را که در متن‌های زردشتی وصف شده است به جلوه درآورده بودند.»<sup>۲</sup>

از نکات قابل توجه این بخش ملاقات نویسنده با فرقه یزیدیان است. از این فرقه و آداب مذهبی و باورهای آنها اطلاعاتی ارائه می‌نماید که جالب و خواندنی است. در بخش بعدی که در واقع آخرین بخش کتاب است به توصیف سرزمین‌های روسیه می‌پردازد و از کوه آرارات و شهر ایروان به عنوان پایتخت ارمنستان یاد می‌کند و از آداب و سنن مردم و دیدنی‌های این شهر توصیفی زیبا ارائه می‌دهد.

بخش چهارم کتاب که «سرزمین و تاریخ ایران و دلبستگی ما به آن سامان» نام دارد، با گفته‌ای از کوروش کوچک هخامنشی در کتیبه نقش رستم آغاز می‌شود: «دامنه شاهنشاهی پدرم به جاهایی می‌رسد که مردم نمی‌توانند در آن زیست کنند. یک سو بیابان‌های سرد شمالی و سوی دیگر بیابان‌های سوزان جنوبی قرار دارد».<sup>۳</sup> و در ادامه می‌نویسد «این لاف را که کوروش از سر غرور زده است می‌توان نکته به نکته و موبه مو راست پنداشت».<sup>۴</sup> و یا در جایی در توصیف تاریخ هخامنشی می‌نویسد: «پس از کوروش فرزند دیوانه‌اش کمبوجیه به سلطنت رسید».<sup>۵</sup> که این گفتار زیاد به حقیقت تاریخی نزدیک نیست و به نظر می‌آید نویسنده خیلی عامیانه از شخصیت مهم تاریخی چون کمبوجیه نام برده است. اوستند نویسنده تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، می‌نویسد «داستان دیوانه‌گری‌های کمبوجی را در مصر باید گزاف‌گویی شمرد. این دشنام که بسیار بازگو شده که او یک گاو آپس را کشته دروغ است. در سال ششم فرمانروایی کمبوجیه (۵۲۴ ق. م)، زمانی که وی به لشکرکشی در اتیوپی از مصر دور بود، گاو مقدس مُرد. گاو آپس بعدی که در سال پنجم کمبوجی زاییده شد تا سال چهارم داریوش زنده ماند».<sup>۶</sup> و در ادامه راجع به کشته شدن کمبوجیه می‌نویسد «کمبوجی خوشاوند خود اریاندس را به شهر بی‌گماشت و سوی میهن بازگشت. در اگیاتانا نزدیک کوه کرمل خبر یافت که مردی تاج و تخت را برای خود ربوده و آنجا کمبوجی مرد، و گفته شده است که خودکشی کرد».<sup>۷</sup>

در ادامه همین بخش مقایسه‌ای بین تغییر و تحول خط و زبان پارسی و انگلیسی و تأثیرات این دو زبان بر یکدیگر، طی قرون متمادی، صورت داده و مواردی از کلمات و اصطلاحات متأثر از یکدیگر را به‌عنوان نمونه مورد تجزیه و تحلیل قرار داده که از نکات برجسته کتاب است. مثلاً در بخشی از این تحلیل و بررسی می‌نویسد: «در مورد بعضی از لغت‌هایی که امروز در زبان انگلیسی به کار می‌بریم تا حدی مدیون زبان فارسی هستیم. کلمه بسیار مصطلح «وان» که به معنی ارائه بارکش یا واگون باری است اختصاری است از واژه کاروان فارسی (وجه اشتقاق عامیانه کاروان در زبان انگلیسی) «کری وان **Carry - Van**»؛ همچنین کلمه تیاره **tiara** و شاه **Shah** و بخشش **baKhshish** و مجیک **Majic** (به معنی سحر و جادو) که مأخوذ از می‌جای **Majiz** (جمع مجوس - مجوس) می‌باشد در اصل فارسی هستند...»<sup>۸</sup>

در بخش پنجم که «مسافرت در میان برف ارس و تبریز» عنوان گرفته، شرح مسافرت مؤلف از جلفا تا رسیدن به

بها را  
به معن تشبیه کرد  
و عنوان خط میخی  
(Cuneiform)  
را به آنها  
اطلاق کرد

تبریز است. در این قسمت ضمن شرح اتفاقات بین راه، به هنگام بازدید از شهر مرند، به تاریخچه این شهر می‌پردازد و توضیحاتی مختصر و مفید در رابطه با شهر و اهمیت آن در طول تاریخ بیان می‌دارد.

در بخش بعدی که «تبریز مقر ولیعهد» نام دارد ابتدا به تاریخچه شهر می‌پردازد و سپس چشم‌انداز شهر و آداب و سنن مردم را شرح می‌دهد و در ادامه بناهای مهم تاریخی این شهر از جمله ارگ علیشاهی و مسجد کبود را توصیف می‌نماید که با وجود گذشت یک قرن از توصیف آن، بسیار جالب توجه است. پس از آن از بازار و مبادلات تجاری و واحدهای پولی رایج و وضعیت کالاهای تجاری آمریکا در این بازار توضیحاتی ارائه می‌نماید که از خوانندگی‌های کتاب است. نویسنده از آیین زردشت و کتاب مقدس این آیین اطلاعات بسیار ذی‌قیمتی بدست می‌دهد. از متون اوستا نمونه‌هایی چند در کتاب گنجینه است که برای آشنایی با اوستا و نوع نگارش آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. شاید بتوان گفت این بخش کتاب، از بخشهای تخصصی است که برای پژوهشگران در آیین زردشت و اوستا نگارش یافته است.

از انتقادات وارد بر این کتاب استفاده از اصطلاحات رایج در زبان عامیانه است. مثلاً در جایی از کتاب هنگام معرفی آتشگاهی در اطراف ارومیه می‌نویسد: «اکتون کلیسای عیسوی که نسطوریان ساخته‌اند بر فراز این تپه قدیم «آتش پرستان» دیده می‌شود.»<sup>۱۸</sup>

این کلمه یعنی آتش پرستان، به هیچ‌عنوان بیانگر پیروان مذهب زردشت نیست. آتش گرچه به زعم زردشتیان به عنوان عنصری از عناصر پاک و مقدس و قابل احترام است و در واقع بر طرف‌کننده پلیدیها و اشرار و یا در واقع دور نگه‌دارنده دیوان به‌شمار می‌آمده، اما هرگز مورد پرستش و تکریم به عنوان آفریننده و یا خدا قرار نمی‌گیرد، و با این حال عبارتی مصطلح، در زبان عامیانه بوده و هست که نویسنده نیز آن را به کار برده است.

به هنگام بازدید از تخت سلیمان ابتدا تمام مشاهدات خود را شرح می‌دهد و آنچه از تخت سلیمان باقی مانده را به بهترین وجه ممکن توصیف می‌نماید و از ویرانه بنا طرحی جالب و زیبا به چاپ رسانده که از طرح‌های بسیار نادر و پرارزش آن محل تاریخی و باستانی است که در حدود یک قرن پیش ترسیم شده است. در ادامه بررسی و مطالعه این محل خواننده را به منابع قدیمی‌تر چون معجم البلدان، مروج الذهب تاریخ طبری، المسالک والممالک، البلدان و دیگر منابع ارجاع می‌دهد و از آنها برای توصیف این بنا سود و بهره می‌گیرد.

همدان، شهری با پیشینه ۲۷۰۰ ساله، از جاهایی است که مورد توجه فراوان و خاص این محقق و سیاح قرار گرفته است. وی وضعیت شهر را در هنگام بازدید به طور کلی شرح می‌دهد و سپس به اهمیت تاریخی آن می‌پردازد. این فصل از کتاب یکی از طولانی‌ترین فصول کتاب است و همین ویژگی نشان از اهمیت این شهر تاریخی از نظر مؤلف دارد. در مبحث تاریخی، جکسن سعی دارد برای خواننده اثبات کند که این شهر پایتخت مادها، اولین تمدن آریایی‌ها بوده است و در این راه به نوشته‌های مورخین بزرگ یونانی چون هرودوت،

گزنون، استرابون، پلوتارک و کتسیاس (نویسنده یونانی و پزشک دربار اردشیر دوم به مدت ۱۷ سال) استناد نموده است. وی سپس به شرح کوتاهی از اهمیت همدان در دوره‌های بعد از هخامنشیان تا قاجار می‌پردازد. از آثار مهم و جالبی که در همدان مورد بازدید جکسن قرار می‌گیرد کتیبه‌های داریوش و خشایارشا در دامنه‌های کوه الوند است. او ضمن توصیف اندازه و چگونگی آن کتیبه‌ها که به «گنجنامه» معروف است متن کامل کتیبه داریوش را نقل می‌کند: «خدای بزرگ است اهورامزدا که این زمین را آفرید، که آسمان را آفرید، که مرد (انسان) را آفرید، که شادی برای مردم آفرید. که داریوش را شاه کرد، شاهی از بسیاری، فرمانروایی از بسیاری، منم داریوش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه سرزمین‌هایی که نژادهای گوناگون دارند شاه سرزمین بزرگ دوردست، پسر ویشتاسب هخامنشی.»<sup>۱۹</sup>

مؤلف در بخش سنگ‌نیشته‌های شاهان بزرگ هخامنشی، ابتدا مقدمه‌ای درباره مطالعات کتیبه‌ها و خطوط پارسی باستان (میخی) ارائه می‌دهد و یادآور می‌شود «متنی که راولینسن برداشت نیم قرن پیش (۱۸۴۷-۱۸۴۵ م) نسخه‌برداری شده بود، و از آن زمان به بعد فرصتی دست نداد بود تا کسی صحت و سقم آن را بیازماید، زیرا وی تنها کسی بود که متن کتیبه راه، همچنانکه بر سینه کوه است، مورد مطالعه و بررسی قرار داده بود. از این رو یکی از اهداف سفر من به ایران آن بود که از گرانکوه بیستون بالا روم و بعضی از عبارات مشکوک خط میخی را از نزدیک بررسی کنم.»<sup>۲۰</sup>

توصیفاتى که از کوه بیستون و جزئیات کتیبه‌های آن ارائه می‌دهد شاید یکی از بهترین توصیفاتى است که تاکنون بیان شده است. خطرات بسیاری را بجان خرید و برای پژوهش و تحقیق دست اول و مستند به آنجایی رفته که کمتر کسی رفته بود و این موضوع اهمیت سفر و یادداشت‌های او را دوچندان می‌نماید. از نکات جالب توجه و مهم این قسمت مقایسه‌ای است که میان کتیبه بیستون از زمان راولینسن تا موقع بازدید خود ارائه می‌دهد و از خسارات وارده بر آن سخن می‌گوید و در جمله‌ای کوتاه متذکر می‌شود: «بخوبی آنچه را ما از دست داده‌ایم و داریم از دست می‌دهیم نشان می‌دهند.»<sup>۲۱</sup> در ادامه این بخش از تمام سنگ‌نوشته‌ها با ذکر ستون و سطور کتیبه یادداشت‌برداری می‌نماید.

طاق بستان، از نقش برجسته‌های دوره ساسانی و معبد کنگاور از بناهای باستانی و تاریخی دیگری است که توسط این جهانگرد محقق مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌گیرد و توصیفاتى جامع و کامل از این بناها ارائه می‌کند. در مورد معبد کنگاور، برخلاف نظر غالب مورخین که آن را مربوط به دوره اشکانی می‌دانند، این معبد را قدیمی‌تر دانسته و به دوران هخامنشیان منتسب می‌کند.

شهرهای تاریخی متأخرتر، چون اصفهان که در دوره صفویه از اهمیت خاص و فوق‌العاده برخوردار بوده نیز به نحوی عالی در این سفرنامه توصیف شده هرچند در این بخش‌ها گاه اشتباهاتی تاریخی به چشم می‌خورد، چنانکه در شرح اهمیت اصفهان می‌نویسد: «این شهر از قرن شانزدهم تا هجدهم میلادی (دهم تا دوازدهم ه. ق.) یعنی تا زمانی که تهران جای آنرا به عنوان پایتخت قلمرو محروسه شاه

گرفت، کرسی و پایتخت ایران بود.<sup>۳۳</sup> این موضوع زیاد به واقعیت تاریخ نزدیک نیست چرا که می‌دانیم سلسله‌های افشاریه و زندیه که مابین صفویه تا قاجاریه حکمرانی داشتند شهرهای مشهد و شیراز را به عنوان پایتخت انتخاب نمودند و این موضوع در لابه‌لای توصیف شهر شیراز در همین کتاب ذکر شده است.

در بخشهایی که به توصیف بازارگاد و تخت‌جمشید می‌پردازد ابتدا یادآور می‌شود «بازارگاد و تخت‌جمشید موضوعاتی نسبتاً غم‌انگیزند، زیرا هر دو شهرهایی خاموش با گذشته‌ای تباه شده هستند.»<sup>۳۴</sup> در این بخش‌ها نخست تاریخچه‌ای از سلسله هخامنشیان ذکر می‌کند و سپس به توصیف بنا در زمان‌های گذشته از قول مورخین بزرگ یونانی و آنگونه که امروز باقی مانده است، می‌پردازد. این بخش‌های کتاب را نیز می‌توان در زمره بخش‌های مهم پژوهشی و تحقیقی برای محققان و پژوهشگران به‌شمار آورد.

شیراز و یزد از دیگر شهرهای تاریخی و مذهبی هستند که مورد بازدید این سیاح قرار گرفته‌اند. در مورد شیراز بیشتر به صحبت درباره شاعران و اشعار آنها می‌پردازد و برای آشنایی با زردشتیان ساکن یزد و چگونگی انجام آداب و رسوم مذهبی آنها به یزد مسافرت می‌نماید و در دو بخش با عنوان‌های زردشتیان یزد و آداب دینی زردشتیان یزد به ملاقات‌های خود با بزرگان زردشتی آنجا اشاره می‌کند. آیین‌های خاص مذهبی زردشتیان در زندگی روزانه و آداب و مراسمی که در تولد و تربیت فرزند و ازدواج و مرگ بجای می‌آوردند را یادآور می‌شود. این دو بخش جهت اطلاع از اوضاع و احوال زردشتیان ایران در یک قرن پیش از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

در قسمت‌های بعدی کتاب، بخشی که به ویرانه تاریخی و باستانی می‌پردازد از اهمیت بیشتری برای محققان برخوردار است چرا که شهر باستانی رگا از پیشینه چندهزار ساله برخوردار است و گاه به عنوان پایتخت، اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یافته که در این بخش به بحث و بررسی آن با استناد به گفته‌های مورخین بزرگ چون ابن حوقل و اصطخری پرداخته است.

از امتیازات برجسته کتاب حاضر، عکس‌هایی است که یا خود نویسنده تهیه کرده و یا از دوستان خود دریافت داشته است. این عکس‌ها در آخر هرچند فصل، با توجه به موضوعات آن آورده شده است. البته با توجه به قدمت عکس‌ها که حدود یک قرن پیش تهیه شده، خود آنها از ارزش تاریخی ویژه‌ای برای مطالعات امروز برخوردارند چرا که ممکن است عکس منظره‌ای یا قسمتی از بنایی را نشان بدهند که امروزه به آن صورت دیگر وجود خارجی نداشته باشند.

از دیگر امتیازات برجسته این کتاب ذکر منابع و مأخذ در آخر هر فصل است. از کارهای نیک مترجمان نیز می‌توان به زیرنویس‌های تکمیلی اشاره کرد که در پایین هر صفحه آمده است. این زیرنویس‌ها توضیحات لازم و ضروری است که مترجمان برای افزودن به اطلاعات خواننده آورده‌اند. از دیگر کارهای نیک مترجمان تذکر اشتباهاتی است که نویسنده متن اصلی مرتکب آن شده است. مثلاً هنگام بازدید مقبره

این‌سینا در همدان شخصی که به نام شیخ ابوسعید در کنار قبر وی مدفون است را با ابوسعید ابی‌الخیر، عارف بزرگ اشتهای می‌گیرد که مترجم این اشتهای را اصلاح می‌نماید و توضیح لازم را متذکر می‌شود. یا به هنگام بیان فاصله بین کرمانشاه و قصر شیرین دچار اشتباه می‌شود و فاصله دو شهر را ۱۲۸ کیلومتر برابر با ۸۰ مایل ذکر می‌کند، اما مترجم این اشتباه را اصلاح و فاصله واقعی که ۱۸۲ کیلومتر است را متذکر می‌شود.

بطور کلی جکسن در این کتاب شرح دل‌انگیز سفر خود را با مطالب تحقیقی، تاریخی، باستان‌شناسی که حکایت از احاطه و تبحر او در این رشته‌ها دارد به‌هم آمیخته است و آمیزه‌ای زیبا از تاریخ، سفرنامه و شرح خاطرات معمول، باستان‌شناسی، خط‌شناسی و مردم‌شناسی ارائه می‌نماید که این ویژگی‌ها، اهمیت کتاب مذکور را بیش از پیش ارتقا می‌دهد.

#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - ابراهیم، و. ویلیامز جکسن: سفرنامه جکسن ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریون بدره‌ای، خوارزمی، تهران، آبان‌ماه ۱۳۵۲.
- ۲ - موسوی، محمود: تاریخچه مختصر فعالیتهای باستانشناسی در ایران، نمایه پژوهش شماره ۹ و ۱۰. سال سوم بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- ۳ - همانجا.
- ۴ - همانجا.
- ۵ - همانجا.
- ۶ - ملک شه‌میرزادی، صادق: بررسی تحولات مطالعات باستانشناسی در ایران، مجموعه مقالات انجمن‌واره بررسی مسائل ایران‌شناسی، از انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، به کوشش علی موسوی گرمارودی، چاپ ۱۳۶۹.
- ۷ - ملک شه‌میرزادی، صادق: اشاره مختصر بر تحول باستانشناسی در ایران، مجله اثر، شماره ۱۲-۱۳-۱۴، اسفند ۱۳۶۵.
- ۸ - ابراهیم، و. ویلیامز جکسن، پیشین، ص ۷.
- ۹ - همان، ص ۱۱.
- ۱۰ - همان، ص ۲۴.
- ۱۱ - همان، ص ۲۶.
- ۱۲ - همان، ص ۴۱.
- ۱۳ - همانجا.
- ۱۴ - همان، ص ۴۳.
- ۱۵ - اومستد، ا. ت: تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه دکتر محمدمقدم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۲۳.
- ۱۶ - همان، ص ۱۲۷.
- ۱۷ - ابراهیم، و. ویلیامز جکسن، پیشین، ص ۴۷.
- ۱۸ - همان، ص ۱۱۴.
- ۱۹ - همان، ص ۱۹۳.
- ۲۰ - همان، ص ۲۰۸.
- ۲۱ - همان، همانجا.
- ۲۲ - همان، ص ۲۰۵.
- ۲۳ - همان، ص ۳۲۴.

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا  
مناظر از یکدیگر را  
به عنوان نمونه  
مورد تجزیه و  
تحلیل قرار داده  
که از نکات برجسته  
کتاب است